

## «دیوانعالی کشور» و «دیوان عدالت اداری»

### بازوهای نیرومند قوه قضائیه

#### مقدمه

قوه قضائیه یکی از سه قوه حاکم در جمهوری اسلامی ایران میباشد و قوه‌ای است مستقل برای پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و برقراری قسط و عدل اسلامی. مسئله قضا در قانون اساسی در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خلد حرکت اسلامی شناخته شده و سیستم قضائی اسلامی مشکل از قضاات عادل و آشنا بضوابط دینی است که باید از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم به دور باشد تا بتواند بحکم آیه شریفه «واذا حکمتم بین الناس ان تحکمو با عدل» عمل و اقدام نماید.

فصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مشتمل بر ۱۹ اصل میباشد به وظایف و اختیارات قوه قضائیه اختصاص یافته و انجام مسئولیت‌های این قوه بعهده شورای عالی قضائی معول گردیده که از پنج عضو (فقیه و مجتهد) تشکیل شده و مدیریت قوه قضائیه را برعهده دارد.

یکی از مسئولیتهای مهم شورای عالی قضائی ایجاد تشکیلات لازم و متناسب برای دادگستری است و این تشکیلات بمنظور رسیدگی بتظلمات و تعدیات و شکایات مردم و حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و احیای حقوق عامه و کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمین براساس قوانین مدون اسلامی و اقدام لازم برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین است. تشکیلات مزبور بصورت واحدهای قضائی بنام دادگاههای کیفری یک و کیفری دو و دادگاه مدنی خاص و محاکم عمومی صلح و حقوقی هر یک بنوعی از شکایات و اختلافات مردم رسیدگی مینمایند و دیوانعالی کشور برطبق اصل یکصد و شصت و یک قانون اساسی بر اجرای صحیح قوانین در کلیه این محاکم نظارت عالیہ دارد.

علاوه بر تشکیلات قضائی مزبور، اصل یکصد و هفتاد و سه قانون اساسی تأسیس واحد قضائی جدیدی را بنام دیوان عدالت اداری زیر نظر شورای عالی قضائی مقرر داشته تا طبق اصل یکصد و هفتاد قانون اساسی بشکایات و اعتراضات مردم نسبت بتصویب نامه‌ها و آئیننامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه باشد رسیدگی نماید. قانون مصوب چهارم بهمن ماه ۱۳۶۰ هم به دیوان عدالت اداری اختیار داده که بشکایات مردم نسبت به واحدهای دولتی و مأمورین دولت در رابطه با وظایف اداری آنان رسیدگی نماید.

با این ترتیب اختیارات دیوانعالی کشور در مورد نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم قضائی دادگستری و اختیارات دیوان عدالت اداری نسبت به سازمانهای دولتی و شهرداریها و نهادهای انقلابی و مأمورین مربوطه در ارتباط با وظایف اداری آنها معلوم و مشخص است و میتوان دیوانعالی کشور و دیوان عدالت اداری را دو بازوی نیرومند قوه قضائیه در انجام وظایف و مسئولیتهائی که قانون اساسی بعهده این قوه گذارده محسوب نمود.

دیوانعالی کشور همانند بازوی قدرتمندی که بر اجرای صحیح قوانین در محاکم نظارت دارد و حقوق عامه را احیاء میکند.

دیوان عدالت اداری مانند بازوی توانائی که از اعمال خلاف قانون قوه مجریه و مأمورین دولت جلوگیری و از متظلمین احقاق حق مینماید. دیوانعالی کشور و دیوان عدالت اداری برای انجام وظایف و مسئولیتهای خود تشکیلاتی دارند و نحوه عمل و حدود صلاحیت و اختیارات آنها را قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی معین نموده که اجمالاً باین شرح است:

( ۱ )

## « دیوانعالی کشور »

اصل یکصد و شصت و یک قانون اساسی سه وظیفه مهم برای دیوانعالی کشور مقرر داشته که عبارتند از:

- ۱- نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم .
- ۲- ایجاد وحدت رویه قضائی .
- ۳- انجام مسئولیتهائی که طبق قانون بدیوانعالی کشور محول میشود .

### اول - نظارت دیوانعالی کشور بر اجرای صحیح قوانین

نظارت مذکور باین ترتیب اعمال میشود که دیوانعالی کشور احکام خلاف قانون را نقض می نماید تا نظام قضائی کشور از هر نوع تزلزل مصون بماند و از تضییع حقوق مردم جلوگیری شود و احکام الهی بمرحله عمل و اجراء در آید . نظارت دیوانعالی کشور بچند طریق انجام میشود :

۱- بررسی آراء حقوقی قابل فرجام دادگاههای دادگستری در شعب دیوانعالی کشور

دیوانعالی کشور در تهران مستقر میباشد و دارای ۲۵ شعبه است هر شعبه مرکب از رئیس و یک مستشار است که باید با مشورت یکدیگر رأی صادر نمایند و چنانچه اختلاف نظر حاصل شود یکی از قضات شعب دیگر برای شرکت در رأی تعیین میشود و رأی اکثریت مناط اعتبار است - در حال حاضر ۱۶ شعبه دیوانعالی کشور بدعاوی حقوقی رسیدگی مینمایند و رسیدگی شعب حقوقی در بعضی پروندهها شکلی و در پاره‌ای از پروندهها ماهوی است . در رسیدگی شکلی ، اگر رأی فرجامخواسته بعلت عدم انطباق مورد با قانون نقض شود رسیدگی به دادگاه دیگری محول میگردد و دادگاه مزبور مکلف به تبعیت از رأی دیوانعالی کشور میباشد و حق اصرار ندارد ( ماده ۱۱ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ ) اما اگر رأی فرجامخواسته مغایر با قوانین موجد حق و یا برخلاف مستندات قانونی و اسباب موجه حقوق و الزامات قانونی باشد شعبه حقوقی دیوانعالی کشور رأی را نقض نموده و چنانچه پرونده آماده برای صدور حکم باشد رسیدگی ماهوی انجام میدهد و حکم صادر میکند و اگر پرونده برای صدور حکم آماده نباشد رسیدگی را به دادگاه دیگری ارجاع مینماید

( ماده ۱۴ قانون مصوب ۱۳۵۶ ) در این مورد دادگاه مرجوع الیه میتواند اصرار کند و از رأی شعبه دیوانعالی کشور تبعیت ننماید و حل قضیه به رسیدگی هیئت عمومی دیوانعالی کشور موکول میگردد . ( شرح رسیدگی هیئت عمومی بعداً بیان میشود )

بعنوان مثال خلاصه یکی از آراء شعب حقوقی دیوانعالی کشور که پس از تقض حکم فرجامخواسته رسیدگی ماهوی انجام داده نقل میشود :

دعوائی بخواسته مطالبه ۳۳۴ سکه پهلوی طلا به ارزش ۱۴/۰۲۸/۰۰۰ ریال در شعبه ۱۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران اقامه شده و دادگاه پس از رسیدگی دعوی را ثابت دانسته و خوانده را بتحویل ۳۳۴ سکه پهلوی طلا به ارزش یک میلیون و یکهزار ریال محکوم کرده و تصریح نموده که خواهان حق مطالبه بیش از این مبلغ را ندارد خواهان از این حکم فرجامخواسته و اعتراض کرده که خوانسته دعوی عین سکه بوده نه بهای آن و سکه پهلوی طلا پول رایج کشور نبوده و از اموال مثلی میباشد نه قیمی - شعبه ۱۳ دیوانعالی کشور این اعتراض را موجه تشخیص داده و با نقض حکم فرجامخواسته - فرجامخوانده را بتحویل ۳۳۴ سکه پهلوی طلا محکوم نموده است .

۲- بررسی نظرات دادگاههای کیفری یک در شعب کیفری دیوانعالی کشور

۹ شعبه از ۲ شعبه دیوانعالی کشور به پروندههای کیفری رسیدگی مینمایند و در این شعب نظرات دادگاههای کیفری در مورد حدود و قصاص یا دیه و غیره برطبق ماده ۲۸۵ اصلاحی آئین دادرسی کیفری بررسی میشود و چنانچه از جهات شرعی و قانونی بی اشکال باشد تنفیذ و پرونده را برای انشاء حکم اعاده میدهند در غیر اینصورت عدم تنفیذ نظر دادگاه اعلام و پرونده برای رسیدگی به دادگاه دیگری ارجاع میشود تا مجدداً رسیدگی نماید ( راجع برآی دادگاه ثانوی و جریان پرونده که مربوط بماده ۲۸۸ اصلاحی آئین دادرسی کیفری میباشد بعداً توضیح داده خواهد شد )

۳- رسیدگی بموضوع صلاحیت

رسیدگی دیوانعالی کشور در امر صلاحیت بچند صورت است :

الف - رسیدگی بقرار عدم صلاحیت ذاتی صادر از دادگاههای حقوقی دادگستری

صلاحیت ذاتی از قواعد آمره و از مسائل مربوط بنظم عمومی است و دادگاههای حقوقی باید قبل از رسیدگی بدعوی، صلاحیت ذاتی را تشخیص دهند و سپس به اصل دعوی رسیدگی نمایند و چنانچه برخلاف صلاحیت ذاتی بدعوی رسیدگی شود دیوانعالی کشور حکم مزبور را نقض مینماید و چون این امر موجب سرگردانی مردم میشود زیرا موضوع دعوی باید از ابتداء در مرجعی که صلاحیت ذاتی دارد مطرح و رسیدگی شود لذا برای جلوگیری از این اقدامات ماده ۱۶ قانون مصوب ۱۳۵۶ مقرر داشته که دادگاههای حقوقی در هر مورد که قرار عدم صلاحیت ذاتی صادر نمایند باید پرونده را به دیوانعالی کشور ارسال نمایند تا چنانچه دیوانعالی کشور قرار عدم صلاحیت را بی اشکال بداند پرونده به مرجعی که صلاحیت ذاتی دارد فرستاده شود و اگر قرار عدم صلاحیت صحیح نباشد قرار مزبور نقض و پرونده برای رسیدگی بدعوی به دادگاه صادرکننده قرار اعاده شود.

ب - رسیدگی به اختلاف بین دادگاههای دادگستری در امر صلاحیت

در هر مورد که دادگاههای دادگستری در امر صلاحیت اختلاف نمایند و رسیدگی به این اختلاف قانوناً با دیوانعالی کشور باشد رسیدگی بشعبه دیوانعالی کشور ارجاع میشود تا به این اختلاف رسیدگی و مرجع صلاحیتدار تعیین گردد.

ج - رسیدگی و حل اختلاف در امر صلاحیت بین محاکم دادگستری و مراجع غیردادگستری

اختلاف بین دادگاههای دادگستری و مراجع غیر دادگستری مانند اداره ثبت احوال در مورد اسناد سجلی و اداره ثبت اسناد و املاک در مورد افزای املاک مشاع و هیئت حل اختلاف کارگر و کارفرما در مسائل مربوط بقانون کار از نوع اختلاف در امر صلاحیت ذاتی است و اختلاف زمانی محقق میشود که دادگاه دادگستری و مرجع غیردادگستری هر دو خود را صالح دانسته و رسیدگی را ادامه دهند (صلاحیت مثبت) و یا هر دو

اعلام عدم صلاحیت نمایند (صلاحیت منفی).

برای رسیدگی به این نوع پروندهها در شعبه اول دیوانعالی کشور هیئتی مرکب از سه نفر از رؤسا و مستشاران دیوانعالی کشور به تعیین رئیس دیوانعالی کشور تشکیل میشود و با کسب نظر دادستان دیوانعالی کشور یا نماینده او حل اختلاف مینماید. در این موارد اگر دادگاه دادگستری و مرجع غیردادگستری هر دو خود را صالح دانسته و رسیدگی را ادامه دهند دادستان کل کشور میتواند بدرخواست ذینفع به دادگاه و اداره طرف اختلاف اعلام نماید که تا صدور رأی دیوانعالی کشور از رسیدگی و تعقیب موضوع خود داری نمایند. در تمام مواردی که دیوانعالی کشور در امر صلاحیت رسیدگی مینماید رأی دیوان قاطع است و دادگاههای دادگستری و مرجع غیردادگستری یا اداره دولتی باید از آن تبعیت نمایند.

۴ - بررسی تقاضای اعاده دادرسی در پروندههای کیفری

اعاده دادرسی یکی از طرق فوق العاده اعتراض برحکم است و در موارد خاصی نسبت به احکام قطعی کیفری تجویز شده و از آن جمله موردی است که بعلت اشتباه اساسی دادرسان، کیفر مورد حکم قانوناً متناسب با تقصیر مرتکب نباشد (بند ۵ ماده ۲۳ قانون مصوب ۱۳۵۶) در این نوع پروندهها که نظارت دیوانعالی کشور بر اجرای صحیح قوانین در محاکم ضرورت تام دارد رسیدگی در شعبه کیفری دیوانعالی کشور انجام و با بررسی پرونده و دلایل ارتکاب جرم و تطبیق مورد با قانون چنانچه تجدید رسیدگی مجوز شرعی یا قانونی داشته باشد اجازه رسیدگی مجدد با قبول اعاده دادرسی به دادگاه صادرکننده حکم داده میشود و در غیر این صورت رد درخواست اعاده دادرسی اعلام میگردد.

دوم - ایجاد وحدت رویه قضائی

رویه قضائی عبارت از تصمیماتی است که دیوانعالی کشور در مسائل حقوقی و کیفری اتخاذ نموده و میتواند در موارد مشابه راهنمای قضات دادگستری باشد و روش واحدی را در رسیدگیهای قضائی ایجاد نماید. رویه قضائی دیوانعالی به دو صورت ایجاد میشود.

۱- رویه قضائی شعب حقوقی دیوانعالی کشور -

آراء شعب دیوانعالی کشور که در مسائل حقوقی صادر میشود در موارد مشابه برای ارشاد و راهنمایی قضات

محاکم مفید و مؤثر است و آنها میتوانند با ملاحظه این نوع آراء اطلاع حاصل نمایند که دیوانعالی کشور در چه مواردی احکام دادگاهها را نقض و درجه مواردی ابرام مینماید تبعیت قضات محاکم از آراء شعب حقوقی دیوانعالی کشور الزامی نیست و قضات دادگاهها اگر رویه قضائی شعبه دیوانعالی کشور را با نظر قضائی خود مطابق بدانند و استدلال دیوانعالی کشور را بپذیرند مانند آن حکم صادر مینمایند و گرنه طبق عقیده قضائی خود حکم میدهند. این نوع رویه‌های قضائی سابقاً جمع‌آوری و در مجموعه‌هایی منتشر میگردد که از هر جهت برای قضات و وکلا مفید بوده و اگر این اقدام ادامه یابد در بالا بردن سطح معلومات قضائی کارکنان دادگستری بسیار مفید خواهد بود.

#### ۲- رویه قضائی هیئت عمومی دیوانعالی کشور

هیئت عمومی عبارت از اجتماع رؤسا و مستشاران دیوانعالی کشور برای رسیدگی به مسائل حقوقی و کیفری است. هیئت عمومی دیوانعالی کشور برحسب موضوعاتی که باید رسیدگی نماید بسه صورت تشکیل میشود:

#### الف - هیئت عمومی شعب حقوقی دیوانعالی کشور

در هر مورد که شعبه حقوقی دیوانعالی کشور حکم فرجام‌خواسته را مغایر با قوانین موجد حق و یا مفاد رأی را برخلاف مستندات قانونی و اسباب موجه حقوق و الزامات قانونی دانسته و نقض نماید و رسیدگی مجدد را به دادگاه دیگری محول کند ( ماده ۱۴ قانون مصوب ۱۳۵۶ ) و دادگاه مرجوع الیه حکمی نظیر حکم دادگاه قبلی صادر نماید چنین حکمی را اصراری مینامند. در اینصورت موضوع در هیئت عمومی شعب حقوقی دیوانعالی کشور ( ماده ۵۷۶ قانون آئین دادرسی مدنی ) با حضور رؤسا و مستشاران شعب حقوقی مطرح میشود و چنانچه هیئت عمومی حکم دادگاه را صحیح تشخیص دهد آنرا ابرام میکند و اگر رأی شعبه دیوانعالی کشور را مطابق با موازین قضائی بداند حکم دادگاه را نقض نموده و رسیدگی مجدد را به دادگاه دیگری محول مینماید و دادگاه مزبور مکلف به تبعیت از رأی هیئت عمومی حقوقی دیوانعالی کشور خواهد بود.

خلاصه یکی از آراء اصراری هیئت عمومی دیوانعالی کشور:

« دعوائی بطرفیت وزارت بهداری بخواسته الزام

بصدور پروانه داروسازی در دادگاه شعبه ۱۰ عمومی حقوقی تهران اقامه شده و دادگاه پس از رسیدگی حکم بر الزام وزارت بهداری بصدور پروانه داروسازی بنام خواهان صادر کرده است. بر اثر فرجام‌خواهی وزارت بهداری شعبه نهم دیوانعالی کشور حکم مزبور را نقض نموده و رسیدگی مجدد شعبه دیگر دادگاه عمومی حقوقی محول شده است. شعبه ۱۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران رأی اصراری صادر نموده و وزارت بهداری را محکوم و ملزم ساخته تا پروانه داروسازی بنام خواهان صادر نماید. بر اثر فرجام‌خواهی وزارت بهداری موضوع در هیئت عمومی شعب حقوقی دیوانعالی کشور مطرح و رسیدگی شده و هیئت عمومی رأی شماره ۲۷ - ۶۳/۸/۱۶ را بر ابرام حکم فرجام‌خواسته صادر نموده و رسیدگی خاتمه یافته است ».

#### ب - هیئت عمومی شعب کیفری دیوانعالی کشور

دادگاههای کیفری یک پس از پایان رسیدگی به پرونده‌هایی که در صلاحیت آنها میباشد نظر خود را در مورد مجازات مرتکب نوشته و پرونده را برای تنفیذ به دیوانعالی کشور ارسال میدارند ( ماده ۲۸۷ اصلاحی آئین دادرسی کیفری ).

شعبه کیفری دیوانعالی کشور پس از بررسی پرونده اگر نظر دادگاه را برونق برآین شرعی و قانونی تشخیص دهد آنرا تنفیذ مینماید و پرونده را به دادگاه مربوطه اعاده میدهد تا انشاء حکم کند و در غیر اینصورت پرونده را برای طرح و اظهار نظر به شعبه دیگر دادگاه کیفری یک میفرستد. دادگاه مزبور اگر با نظر دیوانعالی کشور موافق باشد برطبق آن حکم صادر مینماید و اگر موافق نباشد و رأی اصراری صادر نماید پرونده در هیئت عمومی کیفری مرکب از رؤسا و مستشاران شعب کیفری دیوانعالی کشور مطرح میگردد ( ماده ۲۸۸ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری ).

هیئت عمومی اگر رأی دادگاه کیفری یک را صحیح تشخیص دهد پرونده را برای اتمام حکم به دادگاه مربوطه اعاده میدهد و چنانچه با نظر شعبه کیفری دیوانعالی کشور موافق باشد پرونده به یکی از شعب کیفری دیوانعالی کشور ارجاع میشود تا رسیدگی ماهوی انجام دهد. در چنین موردی شعبه دیوانعالی کشور نمیتواند برخلاف رأی هیئت عمومی کیفری دیوانعالی کشور رأی صادر نماید.

موضوعات مشابه آراء معارض و مختلف صادر نمایند این امر موجب گمراهی قضات و وکلای دادگستری و کلیه کسانی میشود که بخواهند از رویه قضائی دیوانعالی کشور در مسائل مختلف اطلاع داشته و استفاده نمایند. ماده واحده قانون مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای رفع چنین اشکالاتی مقرر داشته که این نوع آراء معارض در هیئت عمومی دیوانعالی کشور که با حضور لااقل سه ربع از رؤسا و مستشاران کلیه شعب تشکیل میشود مورد رسیدگی قرار گیرد و هیئت عمومی موضوع مختلف فیه را بررسی کرده و نسبت به آن اظهارنظر نماید در اینصورت نظر اکثریت هیئت مزبور برای شعب دیوانعالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازمالاتباع بوده و به موجب قانون یا نظر هیئت عمومی قابل تغییر نخواهد بود.

« خلاصه چند رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور »

۳۱-۵/۹/۳۳

۱- شعب ۲۱ و ۲۲ دیوانعالی کشور در مورد صلاحیت دادگاهها در رسیدگی بدعوی خسارت وارده به اموال غیر منقول - آراء معارضی صادر نموده‌اند باین شرح که شعبه ۲۱ دعوی را از حیث صلاحیت دادگاه تابع قواعد راجع بمال منقول موضوع ماده ۲۱ قانون آئین دادرسی مدنی و شعبه ۲۲ تابع قواعد راجع بمال غیر منقول - موضوع ماده ۲۳ قانون آئین دادرسی مدنی دانسته است - این اختلاف در هیئت عمومی مطرح شده و هیئت عمومی طبق حکم مورخ ۳۱-۵/۹/۳۳ رأی شعبه ۲۳ دیوانعالی کشور را صحیح و منطبق با موازین قانونی شناخته است.

۲- شعب سوم و پنجم دیوانعالی کشور راجع به صلاحیت دادگاهها در رسیدگی بدخواست افزایش اسلاف مشاع اختلاف نظر داشته‌اند - شعبه سوم قرار عدم صلاحیت ذاتی صادر از دادگاه شهرستان تبریز را که به اعتبار صلاحیت واحد ثبتی صادر شده با اینکه بعضی از مالکین مشاع صغیر بوده‌اند ابرام کرده ولی شعبه پنجم دیوانعالی کشور در مورد مشابه به استدلال اینکه طبق ماده ۳۱۳ قانون امور حسبی اگر بین ورثه و مالکین مشاع صغیر یا منجور باشد افزایش و تقسیم باید در دادگاه بعمل آید قرار عدم صلاحیت ذاتی صادر از دادگاه تبریز را نقض نموده تا دادگاه باسرافراز رسیدگی نماید - هیئت عمومی دیوانعالی کشور به این موضوع رسیدگی و بشرح حکم شماره ۹/۲-۵۰/۱۱/۱۰ رأی شعبه پنجم دیوانعالی کشور را صحیح و با موازین قانونی منطبق دانسته است.

۳- شعب ۱۶ و ۲۰ دیوانعالی کشور در مورد لزوم تعیین ارزش ریالی دیه اختلاف نظر پیدا نموده‌اند - شعبه ۱۶ دیوانعالی کشور در مورد تعیین دیه تقویم

خلاصه یکی از آراء اصراری کیفری هیئت عمومی دیوانعالی

کشور: ۱۸-۱۸/۷/۳۳

« شخصی به اتهام ارتکاب زنای به عنف و اکراه مورد تعقیب واقع شده و دادگاه کیفری یک ارومیه بر اعدام مرتکب نظر داده و پرونده را برای تنفیذ به دیوانعالی کشور فرستاده است. شعبه ۱۶ دیوانعالی کشور این نظریه را تنفیذ نکرده و پرونده را اعاده نموده تا شعبه دیگر دادگاه کیفری یک رسیدگی و اظهار نظر نماید. رسیدگی پرونده شعبه ۱۷ دادگاه کیفری یک تبریز ارجاع شده و دادگاه مزبور باستناد مواد ۹۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون حدود و قصاص بر اعدام مرتکب نظر داده و پرونده را به دیوانعالی کشور فرستاده است و چنین رأی دادگاه اصراری بوده موضوع در هیئت عمومی کیفری دیوانعالی کشور مطرح گردیده و هیئت عمومی بشرح رأی شماره ۱۸-۱۸/۷/۳۳ نظر دادگاه را بر اعدام مرتکب نپذیرفته و رسیدگی بموضوع یکی از شعب کیفری دیوانعالی کشور ارجاع شده که رسیدگی ماهوی نماید.»

خلاصه رأی دیگر ۲۳ - ۳۳/۸/۲

« شخصی به اتهام قتل عمدی تعقیب شده و در دادگاه جنائی سابق محاکمه و به حبس دائم محکوم و پرونده برای رسیدگی فرجامی به دیوانعالی کشور ارسال شده - شعبه چهارم دیوانعالی کشور از جهت اینکه در رسیدگی دادگاه جنائی قوانین اسلامی رعایت نشده حکم را نقض کرده و پرونده را به دادگاه کیفری یک فرستاده است - دادگاه مزبور نظریه قصاص داده ولی شعبه ۲۰ دیوانعالی کشور این نظر را تنفیذ نکرده و پرونده به استناد ماده ۲۸۸ اصلاحی آئین دادرسی کیفری برای رسیدگی هیئت عمومی ارسال شده و هیئت عمومی باین استدلال که متهم در دادگاه جنائی به حبس ابد محکوم شده و دادستان از قتل مجازات فرجامخواهی نکرده و با توجه به تبصره ذیل ماده ۵۶ آئین دادرسی کیفری تعیین کیفر پیش از حبس ابد جایز نیست نظریه قصاص را موجه ندانسته و پرونده برای رسیدگی ماهوی یکی از شعب کیفری دیوانعالی کشور رجاع گردیده است.»

ج - هیئت عمومی وحدت رویه دیوانعالی کشور

هیئت عمومی وحدت رویه از اجتماع رؤسا و مستشاران کلیه شعب حقوقی و کیفری دیوانعالی کشور تشکیل میشود - مواردی که هیئت عمومی تشکیل میشود باین شرح است :

۱- شعب دیوانعالی کشور در موارد مشابه آراء معارض صادر

نمایند .

آراء شعب دیوانعالی کشور بعنوان رویه قضائی قابل استفاده عموم میباشد و اگر شعب دیوانعالی کشور در

ریالی آنرا ضروری دانسته و شعبه ۲۰ تعیین ارزش ریالی دیه را ضروری ندانسته است. - هیئت عمومی دیوانعالی کشور در رأی شماره ردیف ۴۴/۶۲ - ۶۲/۱۰/۲۱ تصریح نموده که دادگاه تکلیفی بر تعیین ارزش ریالی دیه ندارد و مناط صلاحیت در رسیدگی بجرایم قتل خطئی و شبه عمد در محاکم کیفری یک و فرجام پذیر بودن نظرات دادگاههای مزبور تبصره یک ماده ۱۹۸ و ماده ۲۸۵ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری میباشد و رأی شعبه ۲۰ دیوانعالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است. ۱

۴- شعب ۱۲ و ۱۶ دیوانعالی کشور در مورد لزوم تعیین وکیل در پرونده های کیفری یک اختلاف نظر حاصل نموده و آراء معارضی صادر کرده اند شعبه ۱۲ دیوانعالی کشور نظریه دادگاه کیفری یک ملایر را که در مورد قتل عمدی بدون تعیین وکیل تسخیری بر محکومیت متهم به اعدام بوده تنفیذ نموده و شعبه شانزده دیوانعالی کشور در موضوع مشابه که اتهام قتل عمدی بوده و متهم وکیل نداشته نظر دادگاه کیفری یک ساری را به اجرای قصاص تنفیذ نکرده است. آراء این دو شعبه بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه مصوب ۱۳۲۸ در هیئت عمومی دیوانعالی کشور مطرح و رسیدگی شده و متن رأی هیئت عمومی باین شرح است.

**رأی هیئت عمومی وحدت رویه ۱۵ - ۳۳/۶/۲۸**

« نظر بر اینکه در اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای حق استفاده از وکیل اهمیت خاصی منظور گردیده و از طرفی با توجه بماده ۹ قانون تشکیل محاکم جنائی و مستنبط از مقررات تبصره ۲ ماده ۷ و ماده ۱۲ لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی مصوب ۲۰ شهریور ۱۳۵۸ و اصلاحیه های بعدی آن با لحاظ بخشنامه مورخ ۶۱/۷/۱۷ شورای نگهبان دارای اعتبار قانونی است مداخله وکیل تسخیری « در صورتیکه متهم شخصاً وکیل تعیین نکرده باشد » در محاکم کیفری و در موردیکه مجازات اصلی آن جرم اعدام یا حبس دائم باشد ضروری است بنابراین رأی شعبه ۱۶ دیوانعالی کشور که در خصوص مورد براساس این نظر صادر شده قانونی و موجه تشخیص میگردد. این رأی طبق ماده واحده قانون مربوط بوحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوانعالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است.»

۲- دادگاههای دادگستری در موضوعات مشابه احکام متناقص صادر نمایند.

بعضی از احکام دادگاههای دادگستری بصورت قطعی

۱ - متن رأی : بایگانی هیات عمومی دیوانعالی کشور

و غیر قابل فرجام صادر میشود و این نوع احکام قابل طرح در دیوانعالی کشور نمی باشد تا نظارت قانونی دیوانعالی کشور اعمال شود برای رفع این نقیصه ماده ۳ از مواد اضافه شده بقانون آئین دادرسی کیفری مصوب سردادماه ۱۳۳۷ مقرر داشته که چنانچه از طرف دادگاهها راجع به استنباط از قوانین رویه های مختلفی اتخاذ شده باشد دادستان کل کشور پس از اطلاع مکلف است موضوع را در هیئت عمومی دیوانعالی کشور مرکب از کلیه رؤسا و مستشاران مطرح نموده و رأی هیئت عمومی را بخواهد. رأی اکثریت هیئت عمومی که به این ترتیب صادر میشود در موضوعاتی که قطعی شده بی اثر است ولی بعنوان رأی وحدت رویه از طرف دادگاهها در موارد مشابه باید پیروی شود.

**خلاصه رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور در مورد احکام معارض :**

« دعوائی بخواسته تعدیل و افزایش اجاره بهادر شعبه

۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران اقامه شده و دادگاه باستناد تبصره یک ماده ۸ قانون جدید مالک و مستأجر دعوی را پذیرفته و رد کرده است. شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی رشت نظیر همین دعوی را پذیرفته و بعنوان اینکه از تاریخ اجاره نامه پیش از سه سال گذشته با جلب نظر کارشناس حکم بتعدیل و افزایش اجاره بها صادر نموده است. احکام معارض مزبور در هیئت عمومی دیوانعالی کشور مورد رسیدگی قرار گرفته و هیئت عمومی باستناد ماده ۵ قانون مالک و مستأجر و بعنوان اینکه موجرین و مستأجرین اگر راجع بمیزان اجاره العثل و کیفیت پرداخت آن مدعی حقی باشند میتوانند طبق مقررات قانون مدنی در دادگاهها اقامه دعوی نمایند رأی شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران را « صحیح و منطبق با موازین قانونی شناخته است. »

۳- دادرسان دادگاههای دادگستری از قانون امور حسبی سوء استنباط نمایند.

رسیدگی به امور حسبیه در دادگاه مدنی خاص و براساس موازین شرعی و فقه اسلامی انجام میشود و قانون امور حسبی هم برای رسیدگی به این امور قواعد خاصی مقرر داشته است. ماده ۴ قانون امور حسبی موردی را پیش بینی نموده که اگر دادرسان در استنباط از مواد این قانون اختلاف نظر داشته باشند بتوانند توسط دادستان دیوانعالی کشور نظر هیئت عمومی دیوانعالی کشور را بخواهند و پس از اینکه نظر هیئت عمومی دیوانعالی کشور اعلام گردید مکلف خواهند بود که بر طبق آن

و عادات مسلمه متداوله راجح در مواردیکه مخالف انتظامات عمومی باشد تصریح نموده و اضافه کرده است که دادگاهها باید احکام خود را بر طبق قانون مزبور صادر نمایند. «۲»

سوم - انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون بدیوانعالی محول میشود.

از جمله مسئولیت‌هایی که به دیوانعالی کشور محول شده اجازه تجدید رسیدگی نسبت به احکام قطعی دادگاههای کیفری ۲ میباشد که بر اساس ماده ۲۸۴ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری و دستورالعمل شماره ۱/۲۸۸۲۹-۶۲/۶/۱۲ شورای عالی قضائی است. برای روشن مطالب این توضیح لازم است که دادگاههای کیفری ۲ بجایمی که مجازات تعزیری دارد رسیدگی مینمایند و احکام این دادگاهها قطعی و لازم‌الاجراء است. از آنجا که حکم حاکم شرع یک درجه صادر میشود و تجدیدنظر در آن جایز نیست و از طرف دیگر دادگاههای کیفری ۳ گاهی دچار اشتباه میشوند و پس از صدور حکم به اشتباه خود بی‌مبهرند و یا قضات دیگر آنها را به اشتباه خود متوجه میسازند که قبول مینمایند و یا قبول نکرده و دادستان کل کشور میتواند تجدیدنظر در حکم را بخواهد ( ماده ۲۸۴ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری ) و فقهای محترم شورای نگهبان هم طی اظهار نظر شماره ۶۲/۴/۵-۸۹۹۸ که در مجموعه قوانین سال ۶۲ چاپ شده تجدیدنظر در حکم حاکم شرع را در مورد ادعای عدم صلاحیت قاضی از سوی احد متداعیین و در مواردی که حکم مخالف ضرورت فقه و یا غفلت قاضی از دلیل باشد جایز دانسته‌اند ولی در ماده ۲۸۴ اصلاحی آئین دادرسی کیفری مرجع رسیدگی تجدیدنظر تعیین نشده لذا شورای عالی قضائی طی دستورالعمل شماره ۱/۲۸۸۲۹ دیوانعالی کشور را - مرجع رسیدگی تجدیدنظر این نوع احکام تعیین نموده است و این دستورالعمل مستند قانونی دارد زیرا ایجاد تشکیلات برای دادگستری و تعیین صلاحیت مراجع قضائی دادگستری بر طبق اصل ۱۵۷ قانون اساسی با شورای عالی قضائی است و شورای عالی قضائی در این دستورالعمل، دیوانعالی کشور را مرجع صلاحیت‌دار برای رسیدگی تجدیدنظر نسبت به احکام قطعی دادگاههای کیفری ۲ معین کرده است.

دیوانعالی کشور در رسیدگی به این احکام با مشکلاتی مواجه شده از جمله اینکه اگر شعبه دیوانعالی

عمل نمایند. در ماده ۳ ع این قانون هم تصریح شده که دادستان کل کشور از هر طریقی که مطلع بسوء استنباط از مواد قانون امور حسبی شود و یا از اختلاف نظر دادگاهها راجع به امور حسبی اطلاع حاصل کند که مهم و مؤثر باشد میتواند نظر هیئت عمومی دیوانعالی کشور را بخواهد. در اینصورت هیئت عمومی دیوانعالی کشور از کلیه رؤسا و مستشاران شعب تشکیل و راجع به موضوع اظهار نظر مینماید. رأی هیئت عمومی دیوانعالی کشور که به این ترتیب صادر میگردد به دادگاهها ابلاغ میشود و دادگاهها مکلفند بر طبق نظر مزبور عمل نمایند.

خلاصه رأی هیئت عمومی دیوانعالی کشور در مورد سوء استنباط از قانون امور حسبی: ۳۸/۳/۳-۱۵۳۶

« دعوائی بخواسته تنفیذ وصیت نامه عادی در دادگاه شهرستان کرمان اقامه شده و موصی برای فرزند صغیر خود با داشتن جد پدری تعیین وصی کرده بوده دادگاه پس از رسیدگی باستناد ماده ۳ قانون امور حسبی وصایت وصی را تصدیق کرده و وصیتنامه عادی را تنفیذ نموده است - دادستان کل کشور پس از اطلاع از این موضوع بعنوان سوء استنباط از ماده ۳ باستناد ماده ۳ قانون امور حسبی رسیدگی را از هیئت عمومی دیوانعالی کشور تقاضا نموده و هیئت عمومی بشرح رأی شماره ۳۸/۳/۳-۱۵۳۶ رأی دادگاه را مخالف ماده ۱۱۸۹ قانون مدنی و غیرقانونی اعلام و تصریح نموده که با بودن جد پدری تعیین وصی یا قیام موردی ندارد. »

خلاصه رأی دیگر شماره ۳۷ - ۶۳/۹/۱۹

«دعوائی بخواسته تنفیذ وصیت نامه عادی یکی از اقلیت‌های مذهبی ( کاتولیک ) در دادگاه مدنی خاص تهران اقامه شده و موصی در این وصیت نامه برای کلیه اموال خود ترتیب خاصی را منظور داشته است - دادگاه پس از رسیدگی وصیتنامه را تنفیذ و تصریح نموده که چون موصی در حکومت جمهوری اسلامی ایران زندگی میکرده لذا بایستی احکام و مقررات دادگاههای جمهوری اسلامی را پذیرا باشد که بعنوان وصیت ثالث بیشتر نیست و دو ثالث بقیه ماترک بایستی تحویل اداره اموال بلاصاحب شود تا بمصارف امور خیریه و جنگ زدگان برسد - دادستان کل کشور باستناد ماده ۳ قانون امور حسبی از هیئت عمومی دیوانعالی کشور تقاضای رسیدگی نموده و هیئت عمومی بشرح رأی شماره ۳۷-۶۳/۹/۱۹ در مورد احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان برسمیت شناخته شده بر طبق ماده واحد قانون مصوب ۱۳۱۲ - لزوم رعایت قواعد

۲ - متن رأی: بایگانی هیات عمومی دیوانعالی کشور

۱ - متن این رأی در مجموع، رویه‌های قضائی (حقوقی) آرشیو کیهان چاپ شده است.

حجم پرونده‌های دیوانعالی کشور ایجاد شده موجب گردیده که شورای عالی قضائی لایحه‌ای در این مورد به مجلس شورای اسلامی تسلیم نماید. تا قانونی بتصویب برسد و این مشکلات رفع شود.

بنابر آنچه ذکر شد دیوانعالی کشور نه تنها در اجرای صحیح قوانین در محاکم اعمال نظارت میکند و از طرق مختلف احکام خلاف قانون را نقض مینماید بلکه برای آینده هم رویه قضائی ایجاد میکند تا هم چون چراغی فرا راه قضات محاکم قرار گیرد تا بدینوسیله بتوانند از هر گونه خطا و اشتباه معذور بمانند و غفلت با بی‌توجهی آنها منشاء تضییع حقوق مردم نشود.

کشور حکم دادگاه کیفری ۲ را نقض نماید و رسیدگی را به دادگاه کیفری ۲ دیگری ارجاع دهد آیا دادگاه مزبور مکلف به تبعیت از رأی شعبه دیوانعالی کشور میباشد؟ (قانون در این مورد ساکت است) و چنانچه دادگاه کیفری دو از رأی شعبه دیوانعالی کشور تبعیت نکند و حکمی مانند حکم دادگاه کیفری ۲ قبلی صادر نماید رأی اصراری مزبور قابل طرح و رسیدگی در هیئت عمومی دیوانعالی کشور خواهد بود؟ (ماده ۲۸۸ اصلاحی قانون آئین دادرسی کیفری شامل این مورد نمیشود).

این اشکال و اشکالات دیگری که از نظر افزایش

(۲)

## « دیوان عدالت اداری »

درآید و تکمیل گردد و مورد حمایت شورای عالی قضائی واقع شود بالفعل هم میتواند سهم بسزائی در انجام تسمتی از وظایف توه قضائیه و جلب رضایت مردم داشته باشد و از هر نوع تعدی و تجاوز و تخلفات مأمورین دولت جلوگیری نماید و از این نقطه نظر یکی از دوبازوی پرتوان قوه قضائیه است.

دیوان عدالت اداری در تهران مستقر میباشد و پانزده شعبه دارد و میتواند تا بیست شعبه هم داشته باشد. هر شعبه دیوان از رئیس یا علی‌البدل رئیس و یک مشاور تشکیل میشود. مشاور نظر مشورتی میدهد و رأی و تصمیم با رئیس شعبه یا علی‌البدل او است. رسیدگی دیوان عدالت اداری در بعضی مسائل شکلی و در بعضی دیگر ماهوی است. صلاحیت دیوان عدالت اداری در ماده ۱۱ قانون مصوب بهمن ۱۳۶۰ معین شده و شامل پنج قسمت میباشد باین شرح:

اول: رسیدگی بشکایات از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها.

باین نوع شکایات در شعب دیوان با شرکت دو مشاور رسیدگی ماهوی میشود. رأی شعبه دیوان اگر برد شکایت باشد قطعی محسوب است و چنانچه شکایت وارد تشخیص شود و تصمیم یا اقدام مورد شکایت

دیوان عدالت اداری تأسیس جدیدی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران برطبق اصل یکصد و هفتاد و سه قانون اساسی ایجاد شده تا بشکایات و تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به واحدهای دولتی و مأمورین دولت و تصویب نامه‌ها و آئین نامه‌های دولتی که مورد شکایت واقع شود رسیدگی نماید. قبل از انقلاب اسلامی ایران یعنی در سال ۱۳۳۹ شمسی قانونی بنام قانون شورای دولتی بتقلید از Conseil d'état فرانسه بتصویب رسید ولی این قانون با همه نقائصی که در آن ملاحظه میشود بمرحله عمل و اجراء درنیامد و چون از نظر رسیدگی به اقدامات و تصمیمات خلاف قانون مأمورین قوه مجریه در ارتباط با وظایف اداری آنها که منشاء تضییع حقوق مردم میگردد قانون و مرجع صلاحیت داری وجود نداشت نویسنندگان قانون اساسی به این موضوع مهم توجه نموده و اصل یکصد و هفتاد و سه قانون اساسی برای تأسیس دیوان عدالت اداری اختصاص یافت و نحوه عمل این دیوان موکول به تصویب قانون خاص گردید.

این قانون در ۴ بهمن ماه ۱۳۶۰ بتصویب رسیده که در حال اجراء است. قانون مزبور حدود اختیارات و صلاحیت دیوان عدالت اداری را معین نموده که بالقوه وسیع و برای احقاق حقوق مردم بسیار مفید و مؤثر است و چنانچه تشکیلات این دیوان بررسی شود و پرسنل قضائی و اداری و خدماتی آن بصورت مطلوبی



قوانین و مقررات خودداری کنند که موجب ضرر و تضییع حقوق اشخاص گردد موضوع قابل شکایت و رسیدگی در دیوان عدالت اداری است و دیوان عدالت در مورد این نوع شکایات سابقه رسیدگی زیاد دارد.

**سوم- رسیدگی به اعتراضات و شکایات مردم از آراء و تصمیمات نظمی کمیسیونها - هیئتها و شوراهائی که برطبق قوانین مختلف در وزارتخانهها و سازمانها و ادارات دولتی و شهرداریها تشکیل شده و به مسائل خاصی رسیدگی مینمایند.** دیوان عدالت اداری در صورتی باین نوع شکایات رسیدگی مینماید که موضوع در مراحل بدوی و تجدیدنظر اداری رسیدگی شده و خاتمه یافته و رأی یا تصمیم مورد شکایت پس از طی مراحل تجدیدنظر یا انقضای مدت تجدیدنظر و عدم اعتراض اعتبار قطعی و نهائی پیدا کرده باشد.

رسیدگی دیوان عدالت اداری در این موارد شکلی است و با شرکت یک مشاور انجام میشود و چنانچه دیوان رأی یا تصمیم مورد شکایت را برخلاف قانون تشخیص دهد و فسخ نماید تجدید رسیدگی رابه کمیسیون یا هیئت دیگری از همان سازمان محول مینماید مگر اینکه با فسخ رأی مورد شکایت، موضوعی برای رسیدگی باقی نماند و بهر حال رأی دیوان برصحت شکایت یا رد شکایت قطعی و غیرقابل اعتراض و تجدیدنظر است. دیوان عدالت اداری از بدو تشکیل مواجه با هزارها شکایت از این قبیل بوده که بیش از همه شکایت از آراء هیئتهای پاکسازی و بازسازی وزارتخانهها و سازمانهای دولتی و غیره و بعد از آن شکایت از آراء کمیسیونهای مالیاتی - کمیسیون ماده ۶ قانون جنگلها و مراتع کشور - آراء هیئتهای حل اختلافات گمرکی - هیئتهای تشخیص مطالبات سازمان تأمین اجتماعی - آراء کمیسیونهای ماده ۱۰ و ماده ۷۷ قانون شهرداریها - آراء هیئتهای حل اختلاف بین کارگر و کارفرما موضوع قانون کار و امثال آنها بوده است. تعداد زیادی از این آراء در آرشیو و بایگانی دیوان عدالت اداری موجود میباشد.

نمونه هائی از این نوع اعتراضات و شکایات و آراء مربوطه:

- ۱- شکایت از حکم مورخ ۵۹/۶/۵ هیئت پاکسازی براخراج شاکی از خدمت درآموزش و پرورش - رأی شماره ۶۲/۷/۲۷ - ۵۵۷/۶ بر نقض این حکم صادر شده تا هیئت

برخلاف قانون بوده و ابطال گردد رأی شعبه دیوان در ظرف ده روز از طرف وزارتخانه یا واحد دولتی یا شهرداری و غیره قابل اعتراض و رسیدگی در هیئت تجدید دیوان میباشد.

هیئت تجدید مرکب است از رئیس کل دیوان یا قائم مقام او و شش نفر از رؤسا شعب دیوان که بقید قرعه برای مدت سه ماه تعیین میشوند. هیئت تجدیدنظر میتواند رأی شعبه دیوان را تأیید و یا فسخ نموده و رأساً رأی مقتضی صادر نماید.

دیوان عدالت اداری از ابتدای تشکیل و شروع بکار که مهرماه ۱۳۹۱ بوده به بسیاری از این نوع شکایات رسیدگی و احکامی برای احقاق حقوق مردم صادر نموده که خلاصه و نمونه هائی از آن نقل میشود:

۱- رأی شماره ۱۹۱/۶ - ۶۲/۲/۲۵ بر ابطال تصمیم وزارت کار و امور اجتماعی که برلغو امتیاز آموزشگاه آفرین صادر شده بوده و برورد شکایت واقع شده و این تصمیم برخلاف قانون تشخیص و ابطال گردیده و بر اثر اعتراض وزارت کار - هیئت تجدیدنظر دیوان عدالت اداری آنرا تأیید نموده است.

۲- رأی شماره ۴۱۷/۶ - ۶۲/۶/۱۲ بر ابطال دستور توقیف حقوق کابندان بازنشسته وزارت کشاورزی که برخلاف قانون بوده است.

۳- رأی شماره ۴۹۶/۶ - ۶۲/۶/۲۳ برلغو و ابطال تصمیم و اقدام شهرداری منطقه ۷ تهران که برخلاف قانون جلو انبار شاکی دیوارکشی کرده و انبار شاکی را پلمب نموده است.

۴- رأی شماره ۸۱۴/۶ - ۶۲/۱۰/۲۴ مبنی بر ابطال تصمیم سازمان عمران اراضی سیاهکل که باغ چای و اراضی زراعتی - کشاورزی شاکی را با مستناد قانون لغو مالکیت اراضی موات و آئین نامه اجرائی مربوطه موات تشخیص داده و اقدام به ابطال اسناد مالکیت مربوطه نموده بوده و کلیه این اقدامات از طرف دیوان عدالت اداری باطل و ملغی الاعلام شده است.

**دوم- رسیدگی بشکایت از تصمیمات و اقدامات مأمورین واحدهای دولتی و وزارتخانهها و سازمانهای دولتی و شهرداریها و نهادهای انقلابی در ارتباط با وظایف اداری آنان.**

مأمورین دولت در ادارات دولتی و شهرداریها و غیره برای انجام وظیف اداری خود مسئولیت قانونی دارند. اقداماتی که مأمورین مزبور برخلاف وظیفه اداری خود و یا برخلاف قانون انجام دهند و یا از حدود اختیارات خود تجاوز یا سوء استفاده نموده و یا از اجرای

شده در دادسرای عمومی تهران نموده تا پس از ختم رسیدگی کیفری و اعلام نتیجه آن ، بشکایت شاکی از لحاظ جنبه های اداری آن رسیدگی گردد - رأی شماره ۷۵۴/۶ - ۶۲/۱۰/۴ دیوان عدالت اداری .

چهارم - رسیدگی بشکایات قضات و کارمندان مشمول قانون استخدام کشوری و سایر مستخدمین واحدها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها و تشکیلات و نهادهای نقلابی و مؤسسات وابسته به آنها از حیث تضييع حقوق استخدامی .

این نوع شکایات غالباً در رتباط با گروه و پایه و ترفیع و حق اشتغال و اضافات و سایر مسائل استخدامی است . تعداد زیادی از این شکایات بدیوان عدالت اداری داده شده که مورد رسیدگی و صدور حکم واقع گردیده و مقدار زیادی هم از پرونده های مربوط باین شکایات که بیش از ۲۰۰۰ جلد و در دادگاههای عمومی و دیوان عالی کشور ناتمام بوده برطبق تبصره ۳ از بند ۳ ماده ۱۱ قانون مصوب بهمن ماه ۱۳۶۰ به دیوان عدالت اداری فرستاده شده و برای اینکه باین پرونده ها زودتر رسیدگی شود چند شعبه از دیوان عدالت اداری برای رسیدگی به این شکایات و پرونده ها اختصاص یافته است . رسیدگی بشکایات استخدامی با شرکت یک مشاور و بصورت ماهوی انجام میشود و رأی شعبه دیوان اعم از اینکه برصحت شکایت و استحقاق مستخدم باشد و یا بررد شکایت صادر شود قطعی و غیرقابل تجدیدنظر است .

نمونه هایی از این شکایتها و آراء مربوطه :

۱- شکایت از وزارت دادگستری برای احتساب سابقه خدمت در مدتی که شاکی در دفاتر اسناد رسمی خدمت کرده - رأی شماره ۲۸۴/۶ - ۶۱/۱۱/۲۷ شکایت غیر وارد تشخیص گردیده .

۲- شکایت از وزارت بهداشت برای مطالبه فوق العاده شغل - رأی شماره ۵۵۹/۶ - ۶۲/۸/۱۲ استحقاق شاکی اعلام و شکایت وارد تشخیص شده است .

۳- شکایت از ژاندارمری جمهوری اسلامی برای اعاده بخدمت از بازنشستگی و اشتغال بکار - رأی شماره ۲۸۰/۶ - ۶۱/۱۱/۲۴ بررد شکایت صادر شده است .

پنجم - رسیدگی بشکایات از تصویب نامه ها و آئین نامه ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداریها که برخلاف

بازسازی به اتمام شاکی رسیدگی نماید .

۲- شکایت از حکم شماره ۲۴۶ - ۵۹/۱۱/۱۹ هیئت بازسازی مبنی بر تغییر رسته شغلی شاکی در آموزش و پرورش - رأی شماره ۵۲۲/۶ - ۶۲/۷/۱۴ بر بطلان وی اعتباری حکم مزبور صادر گردیده است .

۳- شکایت از رأی شماره ۴۸۷/۱۷ - ۶۱/۲/۱۱ شورای عالی مالیاتی و هیئت حل اختلاف مالیاتی - رأی شماره ۴۷۱/۶ - ۶۲/۶/۲۴ دیوان عدالت اداری بر نقض رأی مورد شکایت صادر شده و رسیدگی مجدد به هیئت حل اختلاف مالیاتی هم عرض ارجاع گردیده است .

۴- شکایت از رأی مورخ ۶۱/۱۰/۲۶ شورای عالی ثبت ( شعبه امور اسناد ) رأی شماره ۶۰۵/۶ - ۶۲/۸/۱۲ دیوان بر غیر وارد بودن شکایت صادر گردیده .

۵- شکایت از رأی کمیسیون رسیدگی به پروانه چرای دام که در اداره سرچنگلداری آذربایجان شرقی تشکیل شده - رأی شماره ۱۹۰/۶ - ۶۳/۲/۲۶ دیوان عدالت اداری بر لغو رأی کمیسیون و اعلام بی اعتباری صورت جلسات مربوطه صادر شده است .

۶- اعتراض و شکایت از رأی کمیسیون ماده ۵ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها - رأی شماره ۹۱/۶ - ۶۳/۲/۲ دیوان بر نقض رأی کمیسیون صادر گردیده و تجدید رسیدگی به کمیسیون دیگری محول شده است .

۷- شکایت از رأی شماره ۱۵۰۲۹۳۳ - ۶۲/۹/۶ هیئت تجدید گمرک در مورد طبقه بندی کالا و تعیین حقوق و عوارض گمرکی ، باین شکایت رسیدگی شده و رأی شماره ۴۷۰/۶ - ۶۲/۶/۲۳ دیوان عدالت اداری بر صحت شکایت و نقض رأی هیئت تجدیدنظر صادر شده و رسیدگی مجدد به هیئت تجدیدنظر گمرک ارجاع شده است .

۸- شکایت از رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها - دیوان عدالت اداری در پرونده ۴۵۳/۶۱ باین شکایت رسیدگی کرده و حکم شماره ۶۲۵۰/۶ - ۶۲/۸/۲۱ را بر نقض رأی کمیسیون مزبور صادر نموده تا شهرداری مشهد اقدام قانونی لازم را معمول دارد .

۹- شکایت از رأی هیئت حل اختلاف وزارت کار و امور اجتماعی در مورد حقوق ناشی از قانون کار - دیوان عدالت اداری بشکایت کارفرما رسیدگی نموده و حکم شماره ۲۳۴/۶ - ۶۲/۳/۸ را بر نقض رأی مورد شکایت صادر کرده و رسیدگی مجدد را به هیئت حل اختلاف ارجاع نموده است .

۱۰- شکایت از گزارش هیئت بازرسان سازمان بازرسی کل کشور و درخواست ابطال آن - دیوان عدالت اداری رسیدگی به این شکایت را منوط بر رسیدگی امر کیفری در مورد اتهاماتی که بشاکی نسبت داده

برای تشکیل هیئت عمومی حضور لاقبل سه چهارم رؤسا شعب لازم است . هیئت عمومی دیوان که باین ترتیب تشکیل میشود آراء شعب را بررسی نموده و چنانچه آنها را متناقض تشخیص دهد رأی صحیح را که منطبق با موازین قانونی باشد تعیین و اعلام میدارد رأی اکثریت هیئت عمومی برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است .

خلاصه یکی از آراء وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری هـ ۶۳-۲۵-۱۴/۴/۶۳

شعبه ششم دیوان عدالت اداری بشکایت از اقدام و تصمیم کمیسیون ه نفری عمران اراضی که ملک شاکتی راموات تشخیص داده رسیدگی نموده واقدامات وتصمیمات کمیسیون مزبور را باطل و ملغی الاثر اعلام نموده است- شعبه پنجم دیوان در شکایت مشابه بهمین موضوع رسیدگی را در صلاحیت کمیسیون ماده ۱۲ قانون اراضی شهری دانسته و قرار عدم صلاحیت صادر کرده است و چون آراء این دو شعبه در مورد صلاحیت دیوان برای رسیدگی باین نوع شکایات معارض بوده ، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری بموضوع مختلف فیه رسیدگی و رأی شعبه ششم دیوان راصحیح و منطبق با موازین قانونی شناخته است .

ج- تشکیل هیئت عمومی دیوان برای تنظیم آئیننامه های قانون دیوان

آئیننامه های قانون دیوان عدالت اداری برطبق ماده ۲۳ قانون دیوان باید بتصویب شورای عالی قضائی برسد . این نوع آئیننامه ها در هیئت عمومی دیوان پس از شور و بررسی تهیه و تنظیم میشود و برای تصویب به شورای عالی قضائی ارسال میگردد. آئین دادرسی دیوان که مشتمل بر ۵ ماده و ۱ تبصره میباشد و طرز تنظیم دادخواست و شکایت بدیوان و نحوه رسیدگی و اجرای حکم دیوان را معین نموده بهمین ترتیب تنظیم شده و در تاریخ ۱۰/۱۲/۶۱ بتصویب شورای عالی قضائی رسیده است .

### ویژگیهای قانون دیوان عدالت اداری :

قانون دیوان عدالت اداری چهار ویژگی خاص دارد که به این شرح میباشد :

- ۱- این قانون برای شکایت و تظلم و دادخواهی مردم از دستگاههای دولتی و مأمورین دولت و

شرع یا قانون و یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه باشد .

شکایاتی که تحت این عنوان به دیوان عدالت اداری واصل میشود در هیئت عمومی دیوان مطرح میگردد و هیئت عمومی از اجتماع رئیس کل دیوان یا قائم مقام او و رؤسای شعب دیوان تشکیل میشود .

قانون دیوان عدالت اداری تشکیل هیئت عمومی دیوان را در سه مورد لازم دانسته که عبارتند از :

الف - تشکیل هیئت عمومی دیوان برای رسیدگی بشکایت از تصویبنامه ها و آئیننامه های دولتی

این شکایات اگر بعنوان مخالفت تصویبنامه یا آئیننامه با مقررات اسلامی باشد دیوان عدالت اداری شکایت را بشورای نگهبان ارجاع مینماید تا چنانچه شورای نگهبان طبق اصل چهارم قانون اساسی خلاف شرع بودن آنرا تشخیص دهد هیئت عمومی دیوان عدالت اداری حکم بر ابطال آن صادر کند و اگر شکایت مبنی بر مخالفت آنها با قوانین و یا خارج از اختیارات قوه مجریه باشد هیئت عمومی پس از رسیدگی و تشخیص صحت شکایت ، ابطال آنرا اعلام دارد . رأی هیئت عمومی در این موارد به اکثریت صادر میشود و قطعی است .

خلاصه چند رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری که در مورد این شکایات صادر گردیده است

۱- رأی شماره ۶۶/۱۰۳۹-م/۴۱-۹/۲۲-۶۱ هیئت عمومی بر ابطال چندین ماده و چند تبصره از آئیننامه اجرای قانون اراضی شهری مصوب ۶۱/۳/۳۰ هیئت وزیران که بعضی از مواد آن ضیق نظر قنای شورای نگهبان برخلاف شرع بوده و پاره از این مواد برخلاف قانون و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه تشخیص شده است .

۲- رأی شماره ۴/هـ/۱۲/۶۱ هیئت عمومی بر ابطال چند ماده و تبصره از آئین نامه استخدامی مشترک بانکها که برخلاف قانون و خارج از حدود اختیارات در تنظیم آئیننامه تشخیص گردیده است .

۳- رأی شماره ۵/۵-۹/۳/۶۲ هیئت عمومی بر ابطال بند ۴ از مصوبه ۵۸/۸/۱ شورای معاونان و وزارت بیداری که برخلاف قانون تشخیص شده است .

ب - تشکیل هیئت عمومی دیوان برای ایجاد وحدت رویه -

در مواردیکه در موضوعات مشابه آراء متناقض از شعب دیوان عدالت اداری صادر شود رئیس کل دیوان مکلف است بمحض اطلاع کلیه رؤساء شعب دیوان را برای تشکیل هیئت عمومی و رسیدگی بموضوع دعوت نماید .

دیوان را در آن قسمت که مربوط به واحدهای مذکور است اجراء نمایند. در صورت استتکاف مرتکب به حکم دیوان انفصال از خدمت دولتی و قانونی محکوم میشود و انفصال مزبور از نوع انفصال دائم است.

باتحقیقاتی که نگارنده بعمل آورده تا کنون حکم انفصال از خدمت درباره کسی صادر نشده و انتظار هم نمی رود که وزارتخانه ها و ادارات دولتی و شهرداریها و غیره در مقابل احکام قطعی لازم الاجرای دیوان عدالت اداری مقاومت و سرسختی یا مخالفت از خود نشان دهند تا اجرای ماده ۲۱ قانون دیوان ضرورت پیدا نماید بعلاوه دیوان عدالت از مراجع قضائی دادگستری برای احقاق حقوق مردم میباشد و مولود انقلاب اسلامی ایران است و باید مورد احترام جامعه باشد تا بتواند وظایف قانونی خود را بنحو کامل و احسن انجام دهد.

قانون دیوان عدالت اداری نقائصی هم دارد که باید اصلاح شود از جمله اینکه شکایات مردم علیه وزارتخانه ها و واحدهای دولتی و شهرداریها و نهادهای انقلابی که بدیوان عدالت اداری داده میشود اگر غیر ثابت تشخیص گردد شاکی حق اعتراض و تجدید نظر ندارد و رأی نسبت به او قطعی است اما اگر شکایت صحت داشته باشد و حکمی بنفع شاکی صادر گردد طرف شکایت حق دارد ظرف ده روز تقضای تجدیدنظر کند. این تبعیض یکلی نارواست و باید برطرف شود بقسمی که یا هر دو طرف حق شکایت و تجدیدنظر از حکم دیوان عدالت اداری را داشته باشند و یا حکم دیوان بطور کلی برای طرفین قطعی و غیرقابل شکایت باشد.

برای رفع این نقیصه و نقائص دیگری که در قانون دیوان عدالت اداری بچشم میخورد ظاهراً پیشنهاداتی بتصویب هیئت عمومی دیوان و رئیس کل دیوان رسیده تا بصورت لایحه ای از طریق شورای عالی قضائی و هیئت وزیران برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم گردد.

شهرداریها و نهادهای انقلابی و آئیننامه ها و تصویب نامه های دولتی تصویب شده و مقامات دولتی یا مأمورین دولت یا شهرداری نمیتوانند از مردم به دیوان عدالت اداری شکایت نمایند بنابراین قانونی است مردمی برای جلوگیری از تعدیات و تجاوزات مأمورین دولت و سایر عوامل قوه مجریه بحقوق مردم.

۲- رسیدگی دیوان عدالت اداری بشکایات مردم مجانی است و هیچ نوع هزینه دادرسی و پول تبر و امثال آن مطالبه نمیشود و شاکی میتواند یک برگ دادخواست چاپی مخصوص دیوان عدالت اداری را که در تمام باجه های پستی موجود میباشد. بمبلغ ده ریال خریداری نموده و شکایت خود را با دلایل بنویسد و بوسیله پست به دیوان عدالت اداری ارسال نماید تا به آن رسیدگی شود.

۳- لزوم اجرای دستورات دیوان بوسیله قوه مجریه. برای اینکه دیوان عدالت اداری بتواند شکایات واحده را هر چه زودتر مورد رسیدگی قرار دهد واحدهای دولتی و ادارات و شهرداریها برطبق ماده ۱۸ دیوان مکلف و ملزم میباشند سوابق و اسناد و پرونده هائی را که دیوان عدالت اداری مطالبه مینماید در ظرف سهولت تعیین شده ارسال دارند و چنانچه ارسال سند یا پرونده مورد مطالبه بععلی مقدور نباشد جهت آنرا به دیوان اعلام نمایند و همچنین در مواردی که نیاز به اخذ توضیح از نماینده وزارتخانه یا واحد یا اداره دولتی یا شهرداری و غیره باشد نماینده خود را تعیین و معرفی کنند در غیر اینصورت متخلف از ارسال اسناد و مدارک و مسئول مربوطه که نماینده تعیین نکرده و نماینده ای که از حضور در دیوان استتکاف نموده به انفصال موقت تا یکسال محکوم میشود.

۴- آنچه که بیش از همه اهمیت دارد ضمانت اجرای احکام دیوان عدالت اداری است. ماده ۲۱ قانون دیوان در این مورد مصرح است که واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه ها و سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها و تشکیلات و مؤسسات وابسته به آنها و نهادهای انقلابی مکلف میباشند احکام